

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ربیافت

سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۰
صفحه ۲۸۳ تا ۲۹۸

تحلیل رابطه دین و دولت در اندیشه اسلام تمدنی و اندیشه اجتماعی

فتح الله گولن و نصر

ساسان کابلی / دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
sasankaboli3968@gmail.com

سعید اسلامی / دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول)
eslameesaeed44@gmail.com

کمال پولادی / استادیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
kamal. Pouladi@ gmail. Com

چکیده

با توجه به الگوی سه گانه رابطه دین و دولت در اندیشه سیاسی شیعه، اسلام سنتی سید حسین نصر و اسلام اجتماعی و تمدنی فتح الله گولن مبتنی بر چه الگویی است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش اصلی مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد آن است که: رابطه دین و دولت در اسلام نصر مبتنی بر رابطه ادغام و اتحاد و رابطه دین و دولت در اسلام اجتماعی و تمدنی فتح الله گولن مبتنی بر الگوی تعامل می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اسلام سنتی سید حسین نصر عناصر و شاخص‌هایی چون: حکمت خالده، شهود، وحی الهی، وحدت باطنی و متعالی، الهامات قدسی و شریعت می‌باشد. در مقابل، اسلام اجتماعی و تمدنی فتح‌الله گولن دارای عناصری چون: لیبرالیسم، دموکراسی، دین و شریعت، عدالت، اعتماد، استقلال و آزادی، توسعه‌باوری، علم‌گرایی، تعامل، تسامح، سیاست دفاعی، ناسیونالیسم، حق انتخاب، فردگرایی، مدنیت، سکولاریسم و لائیسیته می‌باشد. وجه تشابه اسلام سنتی نصر و اسلام اجتماعی و تمدنی فتح‌الله گولن در تاکید آنها بر اسلام است، اما به عنوان تمایز باید گفت که در اسلام تمدنی و اجتماعی گولن تجدید پذیرفته می‌شود و در اسلام سیاسی نصر ستیز حد اکثری با غرب و مدرنیته و تجدد دارد و اساساً سنت الگو و مبنای عمل است. اسلام سیاسی نصر، دینی است و قائل به پذیرش تجدد نیست، اما اسلام اجتماعی گولن سکولار و الزاماً اسلامی نیست و احتمال رسیدن آن به اسلام سیاسی بسیار کم است. کلیدواژه: اسلام سنتی، اسلام تمدنی، اسلام اجتماعی، سید حسین نصر، فتح الله گولن.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

مقدمه

سه الگو در باره ارتباط نهاد دین و دولت در اندیشه سیاسی شیعه وجود دارد. الگو اول مبتنی بر ادغام و اتحاد است. در مدل و الگوی اتحاد یا ادغام بر این نکته تاکید می‌شود که تنها فقها یا نهاد روحانیت صلاحیت اداره جامعه را دارند. مبنای نظریه ادغام یا اتحاد آن است که فقیهان برای منصب ولایت از جانب امام معصوم (ع) نصب شده‌اند. الگو و مدل دوم مبتنی بر تعامل و همکاری می‌باشد. در تعامل نهاد دین و دولت وجود و همکاری دو نهاد فوق مفروض گرفته می‌شود، خواه این فرض براساس رای دینی و خواه به خاطر اضطراب سیاسی و اجتماعی باشد. در مدل تعامل و همکاری سه صورت ممکن محتمل است. در صورت اول نهاد دین بر دولت نظارت دارد. در صورت دوم دولت بر نهاد دین نظارت دارد و در صورت سوم نهاد دین با دولت همکاری دارند. اما الگو و مدل سوم بر استقلال و جدایی تاکید می‌کند. در این مدل بر خلاف دو صورت ادغام و تعامل، دو نهاد فوق همانند دو دایره متباین و مستقل تصور می‌شوند. لازمه استقلال دولت از نهاد دین حد اقلی بودن در موضوع ارتباط دین و سیاست و یا نفی این ارتباط نیست. برخی دین و سیاست را مرتبط ولی نهاد دینی را از دولت مستقل می‌دانند. مدل استقلال و جدایی نیز در سه صورت تفکیک گرایان، انزوای گرایان و تفصیل گرایان قابل ارزیابی و تبویب است. الگوهای رابطه دین و دولت قابلیت کاربرد در اندیشه های سیاسی اندیشمندان سیاسی اسلام را داراست.

در این ارتباط، اندیشه سیاسی سید حسین نصر در زمره اندیشه های سیاسی اسلامی در زمینه رابطه دین و دولت است. سید حسین نصر در فلسفه اسلامی شاگرد سید محمدحسین طباطبایی، محمد کاظم عصار و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی بوده است. وی همکار هانری کربن از اندیشمندان حوزه تاریخ اسلام است. از منظر سنخ شناسی اندیشه های سیاسی اسلام، نصر یک سنت گرای اسلامی و سنتی است. از طرفی دیگر، اندیشه سیاسی و اسلام اجتماعی فتح الله گولن نیز قابلیت کاربردی در الگوهای رابطه دین و دولت در اندیشه سیاسی اسلام را داراست. گولن تنها نماینده اسلام تمدنی و اجتماعی نیست. اسلام تمدنی یا اسلام اجتماعی نخستین بار توسط نخست وزیر وقت مالزی تونکو عبدالرحمان در سال ۱۹۵۷ میلادی مطرح شد. این طرح نشأت گرفته از آیات قرآن و مبتنی بر ۱۱۰ اصل کلی یعنی اصولی و شاخص هایی چون: تدین و تقیه نسبت به خدای متعال، عدالت و اعتماد به عملکرد دولت، آزادی و استقلال، اهمیت علم و دانش، توسعه اقتصادی متعادل، برخورداری از شرایط مطلوب زندگی برای همه، محافظت از حقوق زنان و اقلیت ها، تعامل فرهنگی و اخلاقی، محافظت از

محیط‌زیست و برخورداری از سیاست دفاعی قدرتمند می‌باشد و در نهایت آنکه اسلام تمدنی تأمل و کندوکاوی در داشته‌های اسلام برای ایجاد یک تمدن است. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر تلاش دارد که رابطه دین و دولت در اندیشه اسلام سنتی سید حسین نصر و اسلام تمدنی و اجتماعی فتح‌الله گولن را مورد بررسی قرار دهد.

۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی‌های به عمل آمده در حوزه‌های اندیشه سیاسی اسلام نشان داده است که بررسی همه جانبه پیرامون نحله‌های به وجود آمده از میراث اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار است. با وجود پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است. اما به نظر می‌رسد که جای پژوهشی که رابطه دین و دولت در اندیشه اسلام سنتی سید حسین نصر و اسلام تمدنی و اجتماعی فتح‌الله گولن مورد بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است که در این پژوهش بدین مسأله پرداخته می‌شود.

۱-۲. پیشینه تحقیق

بروز و ظهور گفتمان اسلام سنتی و اسلام اجتماعی و تمدنی موجب تدوین و نگارش پژوهش‌هایی از سوی پژوهشگران حوزه اندیشه سیاسی اسلام و ایران شده است که در اینجا به چند مورد پرداخته می‌شود:

حقیقت، سید صادق (۱۳۸۹) پژوهشی را تحت عنوان (مبانی اندیشه سیاسی در اسلام) به نگارش در آورده است. در این کتاب نویسنده ضمن تبیین جایگاه سیاست در طبقه بندی دانش اسلامی و همچنین تبیین مبانی کلامی اندیشه سیاسی اسلامی به ارتباط دین و سیاست و همچنین به ارتباط دین با دولت در تاریخ اندیشه سیاسی شیعه پرداخته است.

فیرحی، داود (۱۳۸۸) کتابی را تحت عنوان (نظام سیاسی و دولت در اسلام) را به نگارش در آورده است. در این کتاب نویسنده، به تشریح مفاهیم نظام سیاسی و دولت و همچنین سیمای عمومی نظام سیاسی و دولت در اسلام و همچنین تحولات نظریه‌های نظام سیاسی در اسلام پرداخته است. بخشی از کتاب نیز به نظریه‌های نظام سیاسی شیعه اختصاص یافته است. بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۸) کتابی را تحت عنوان (روشنفکران ایرانی و غرب) به نگارش در آورده و چنین استدلال می‌کند که روشنفکر ایرانی چگونه عمیقاً و امدار اندیشه و فکر غرب هستند که در واقع مبنای فرهنگی تلاش مداوم آنها در جهت شکل دادن و اثبات هویت و موجودیت آنها به شمار می‌رود. در فرازی از این کتاب نویسنده نوع نگاه سید حسین نصر به عنوان نماینده اسلام سنتی و سیاسی را مورد بررسی و تشریح قرار داده است.

میر سپاسی، علی (۱۳۸۵) کتابی را تحت عنوان (تاریخ روشنفکری معاصر ایران) به نگارش درآورده است. در فرازی از این کتاب به اسلام سنتی یا اسلام سیاسی نیز اشاره شده و حتی نویسنده فراز اندیشه سید حسین نصر را در زمره اسلام سیاسی و سنتی مورد بررسی قرار داده است.

ترابی، یوسف و پیروزفر، مهدی (۱۳۹۶) پژوهشی را تحت عنوان (نوعثمانیگری و نوسلفیت: مطالعه موردی فتح الله گولن و یوسف القرضاوی) به نگارش درآورده اند. طبق دیدگاه‌های نویسندگان، گولن اسلام را امری قلبی و جدای از سیاست می‌داند درحالی که قرضاوی، جدایی دین از سیاست را با اسلام بیگانه می‌خواند.

نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۱) پژوهشی را تحت عنوان (اسلام ترکی تقابلی با اسلام انقلابی، مروری بر اندیشه‌های فتح‌الله گولن) را به نگارش درآورده و معتقد است گولن علاقه‌ای ندارد که دولت، شریعت یا قوانین اسلامی را به کار گیرد چرا که بر این باور است که بخش کوچکی از احکام اسلامی به حکومت و کشورداری مربوط می‌شود. او بهترین شکل حکومت را حکومت‌های دموکراتیک می‌داند.

فکری، محمد و اینانلو، مینا (۱۳۹۱) پژوهشی را تحت عنوان (بررسی جامعه‌شناختی جنبش فتح‌الله گولن بر مبنای نظریه بسیج منابع) را به نگارش درآورده‌اند. در فرازی از این پژوهش تاکید شده است که: فتح‌الله گولن در میان مردم ترکیه به چند چیز شهره شده است. فعالیت در حوزه بین‌الادیانی، سازگار کردن اسلام و لائسیته، محکومیت علنی خشونت تحت نام اسلام و بالا تر از همه توجه به اهمیت والای آموزش در اسلام.

با عنایت به پژوهش‌های انجام گرفته، تاکنون پژوهشی جامع و کامل در باب مطالعه تطبیقی رابطه دین و دولت در اندیشه اسلام سنتی سید حسین نصر و اسلام تمدنی و اجتماعی فتح‌الله گولن به عمل نیامده است. لذا پژوهش حاضر با وام و بهره‌گیری از برخی عناصر و داده‌های پژوهش‌های انجام گرفته، به بررسی موضوع به همراه ارائه پیشنهادها و راهکارها آن‌هم در قالب استنتاجات نظری دست یازیده است.

۱-۳. روش پژوهش

نوع پژوهش بر اساس هدف کاربردی است و به لحاظ ماهیت پژوهش، تطبیقی، توصیفی و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها می‌باشد. لازم به ذکر است که روش کار پژوهش در بررسی رابطه دین و دولت در اندیشه اسلام سنتی سید حسین نصر و اسلام تمدنی و اجتماعی فتح‌الله گولن الگوی جامعه‌شناسی تاریخی است. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، مشاهده و مطالعه

است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو اسناد و مدارک و همچنین جستجو در مقالات اینترنتی انجام شده است.

۲. مبانی نظری؛ انواع مناسبات و رابطه دین و دولت

الگو و مدل ادغام، الگو و مدل تعامل و الگو و مدل استقلال از الگوهای رایج درباره ارتباط نهاد دین و دولت هستند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱. رابطه دین و دولت در الگو و مدل ادغام

در الگوی ادغام بر همپوشانی و ارتباط دین و دولت و تمزیح دین و دولت تاکید می‌شود. طرفداران ادغام یا اتحاد معتقدند در حکومت دینی، نهاد و کسانی که صلاحیت اداره جامعه را دارد نهاد روحانیت یا فقیهان می‌باشند. البته هیچ نظریه‌ای مدعی نیست که ضرورتاً روحانیت باید به شکل مباشر عهده‌دار قوای سه گانه شود، اما براساس نظریه‌های ولایی (اعم از نصب و انتخاب)، مشروعیت کلیه ارکان به امضای والی منوط می‌شود. از این جهت نباید تفاوت چندانی بین کسانی که به تفکیک رهبری و مرجعیت قائل‌اند با کسانی که این امر را قبول ندارند، قائل شد (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

مبنای نظریه ادغام یا اتحاد در شیعه آن است که فقیهان برای منصب ولایت از جانب امام معصوم (ع) نصب شده‌اند. برخی هم به قدر متیقن استدلال می‌کنند و معتقدند اگر شک شود که این منصب از آن کیست، قدر یقین کسانی که آن را دارا هستند که فقیه عادل باشند. در بین اهل سنت، نظریه خلافت نیز به اتحاد نهاد دین و دولت حکم می‌کند. خلفای راشدین همانند نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) دارای دو شأن دینی و سیاسی بودند. ماوردی خلافت را مقامی می‌داند که پس از نبوت برای تدبیر امور امت و تدبیر بر اساس دین مشروع و نظم دادن به ولایات خاصه و مصالح مردم تشریح شده است. طرفداران ادغام، همانند حداکثری‌ها، ممکن است بر ادله برون دینی یا درون دینی تکیه زنند (عمید زنجانی، ۱۳۷۶: ۱۲۲).

۲-۲. رابطه دین و دولت در الگو و مدل تعامل

در تعامل نهاد دین و دولت، وجود و همکاری دو نهاد فوق مفروض گرفته می‌شود، خواه این فرض بر اساس رأی دینی و خواه به خاطر اضطرار سیاسی و اجتماعی باشد. به هر حال تعامل نهاد دین و دولت به سه صورت نظارت نهاد دین بر دولت، نظارت دولت بر نهاد دین و همکاری آنها قابل تصور است. الف: نظارت نهاد دین بر دولت؛ در این فرض، نهاد دین و دولت دو وجود جدا از هم و همکار تلقی می‌شوند، اما نهاد دین نسبت به دولت از نظارت (همراه با ضمانت) برخوردار است. ب: نظارت دولت بر نهاد دین؛ بر اساس این وجه، نظارت و برتری دولت بر نهاد دین مفروض است. این وجه در بین اندیشمندان ایران مانند خواجه

نظام‌الملک طوسی نیز دنبال شده است. خواجه نظام‌الملک با مشروعیت بخشیدن به حاکمان، عملاً نهاد دین را تحت نظارت دولت قرار داده بود. ج: همکاری نهاد دین و دولت: همکاری نهاد دین و دولت با فرض هم عرض بودن آن‌ها را می‌توان در نظریه سلطنت مشروطه متجلی دید. این نظریه دو رکن دارد: ولایت انتصابی فقیهان در امور حسیه و سلطنت مسلمان ذی شوکت در امر حکومت (کدیور، ۱۳۷۶: ۱۹۷).

۲-۳. رابطه دین و دولت در الگو و مدل استقلال

در این فرض، بر خلاف دو صورت ادغام و تعامل، دو نهاد فوق‌همانند دو دایره متباین و مستقل تصور می‌شوند. لازمه استقلال دولت از نهاد دین، حداقلی بودن در موضوع ارتباط دین و سیاست و یا نفی این ارتباط نیست. برخی دین و سیاست را مرتبط، ولی نهاد دینی را از دولت مستقل می‌دانند. گونه‌های استقلال دولت از نهاد دین را به شکل استقرایی در چهار گونه تفکیک‌گرایان، انزواگرایان، تفصیل‌گرایان و مخالفان نهاد دین قابل تبویب است (واعظی، ۱۳۷۸: ۴۷). در توضیح این نحله‌ها می‌توان بدین ترتیب نسبت به توضیح آنان پرداخت: الف: تفکیک‌گرایان: این گروه معتقدند دو نهاد دین و دولت وظایفی کاملاً جدای از هم دارند و به طور کلی باید از هم متمایز باشند. از این دیدگاه تخصص در امر دین اساساً ربطی به تخصص در امر سیاست ندارد، به ویژه در عصر حاضر که کلیه امور تخصصی شده‌اند. ب: انزواگرایان: انزواگرایان نسبتی بین نهاد دین و دولت نمی‌بینند، چرا که اصولاً در جامعه منزوی هستند و برای رسیدن به اهداف معنوی خود، تفرّد را پیشه کرده‌اند. در واقع آنها اصراری به عدم ارتباط این دو نهاد ندارند و با بی‌تفاوتی از کنار این مسأله می‌گذرند. ج: تفصیل‌گرایان: تفصیل‌گرایان به تاسی از آن دسته از اندیشمندان شیعی و اهل سنت که بین دو نهاد دین و دولت رابطه‌ای نمی‌بینن، این رابطه را ناسازگار می‌دانند. د: مخالفان نهاد دین و دولت: آخرین گروه از استقلال‌گرایان را مخالفان نهاد دین تشکیل می‌دهند. به هر حال برخی دین‌مداران یا دین‌ستیزان ممکن است به ضرورت مخالفت با نهادی به نام روحانیت رأی دهند. از دیدگاه ایشان نهاد روحانیت امری بر ساخته تلقی می‌شود و اساساً ضرورتی برای سامان‌دهی جامعه و همچنین برای ارتباط با خدا و حفظ دین به این نهاد وجود ندارد. نظریه اسلام منهای روحانیت سعی بر دفاع از اسلام و مخالفت با روحانیت دارد (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۸۷).

۳. سوژه‌های پیوندساز دین و دولت در اسلام سنتی سید حسین نصر

سید حسین نصر در حدود بیش از نیم سده اخیر به دنبال حاکمیت حکمت و استقرار حکومتی شریعت‌محور در جامعه مؤدی به آداب و سنن دینی با عقلانیت اسلامی باشد.

مانیفست فکری نصر در اسلام سیاسی معرفت و معنویت است که او طی بیاناتش در دانشگاه ادینبورگ موسوم به سخنرانی های گیفورد (مؤسس سخنرانی هایی راجع به الهیات طبیعی) طرح کرد. او در این سخنرانی ها و همچنین در جای جای آثار گفتاری و نوشتاری خود در پی احیای امر قدسی است که به تعبیر خودش، با حرکت وارونه بشر جدید گم گشته است (نصر، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

بخشی از موضوعات اسلام سیاسی سید حسین نصر معناگرایی پیرامون انسان است. او با متافیزیک سنتی به بازتولید این اندیشه می پردازد که انسان صرفاً یک زیرنهادی نیست که بتوان آن را به بازنمایی خودش از خویش تقلیل داد. انسان مد نظر نصر در مقام موجودی مهم و پاپ گونه ای است که روی این کره خاکی به مشاهده مبدایی ایستاده و خود از او نشئت گرفته و به مشاهده مرکزی که نهایتاً به سوی آن باز می گردد، نشسته است. این انسان که هستی خود را از آن مبدا و مرکز می گیرد در پیوند با آن مبدا، قداست می یابد، قداستی که البته در همه ابعاد هستی و معرفتی جریان دارد و از اندیشه واحدی بر خوردار است. نصر این ریشه واحد را حقیقت نام می نهد که در آغاز تواما هستی معرفت و سعادت بود و در آن اکنون که حضور همیشگی در آغاز دارد، معرفت ارتباطی عمیقی با آن حقیقت ازلی و اساسی داشت و آن حقیقت ازلی همان امر قدسی است که تمام قدسی ها از او نشئت می گیرند (نصر، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

بدین ترتیب نصر به دنبال معنویت بخشی به هستی معرفت و انسان است که آن را به زعم وی می توان در دنیای سنت جویا شد. دنیایی که از رنسانس به بعد شدیداً آسیب دیده و انسان را دچار نوعی از هم پاشی و دگر دیسی کرده است که خودش صورت خدا یافته است. این دگر دیسی معرفتی نصر را به سوی حکمت سوق داده است که ریشه های عمیقاً سنتی و دینی دارد و در سنت اسلامی علم ازلی یا علم حضوری خوانده می شود. چنین رویکردی بر این پیش فرض استناد دارد که: «انسان قادر به دانستن است و این دانستن با جنبه ای از حقیقت هماهنگ و همخوان است. در واقع نهایت معرفت شناخت حقیقت مطلق است و عقل آن موهبت معجزه آسایی است که قادر است تمام آنچه را وجود دارد، با نشانی از وجود دارد، بشناسد. در دستگاه فکری و نظری سید حسین نصر، انسان خلیفه خداست و موجود اصلی و اساسی این مرتبه از حقیقت است» (نصر، ۱۳۹۳: ۵۷).

ورود به قلمرو معنا بعد دیگر اندیشه اسلام سنتی سید حسین نصر است. او این کار را در سه سطح مختلف یعنی: ساحت واقع، ساحت ذهنی و ساحت نمادین انجام می دهد. در ساحت واقع نصر به دنبال شناخت جهان طبیعی و واقعیات نهفته در آن است. وی در این سطح

واقعیت و حقیقت را متناظر با هم می‌بیند. در عقیده نصر هر حقیقتی واقعی است و واقعیتی نشان از حقیقت بالاتر دارد. به نظر وی، اهمیت معنوی طبیعت در مراتب بسیار و از طرق بسیار جلوه‌گر است. طبیعت کارگاه صانع الهی است، کارگاهی که در آن می‌توان مهم‌ترین شاهکار هنر مقدس را یافت. نصر در این مرحله متوقف نمی‌شود و بلکه به فراسوی آن نظر دارد و به تامل در صور طبیعی می‌پردازد که به تعبیر خودش، صفات الهی و شهود عالم در الوهیت را منعکس می‌سازند. وی در ساحت ذهن عقل جزئی را پشت سر گذاشته و در صدد پیوند با عقل کلی است. این ساحت برای طالبان حقیقت بسان نقشه‌ای از ساختار واقعی و راهی برای فرا رفتن از هزار توی کیهانی است. نصر پس از دو ساحت عینی و ذهنی در ساحت نمادین در پی قیاس میان سطوح مختلف وجود است. وی در این ساحت اسطوره، شعر و هنر را بر بنیاد نظریه‌ای بنا می‌نهد که معطوف به الوهیت است. در این راستا، هنر و اسطوره برای خداست، زیرا ساختن چیزی به دست انسان یک موجود خداگونه است، یعنی انجام عملی به خاطر و برای خدا. بدین ترتیب نصر در هر سطح و ساحتی به دنبال خداست. وی عالم واقع را به عنوان تجلی خداوند و حیات و حضور خدا می‌داند. ذهن و فکر آدمی را معطوف به هدفی می‌بیند که نهایت آن خداست. شعر، هنر و اسطوره را نیز خداگونه می‌بیند. چه اینکه آدمی خود به مثابه موجودی خداگونه یک اثر هنری است که به دست خدا شکل گرفت و خدا برای این کار خود را می‌ستاید و احسن می‌گوید (نصر، ۱۳۹۲: ۸۷).

ایده‌اعلای نصر برای این سه ساحت (عالم، کتاب مجید و انسان) است که تشابه بسیار مهم و اساسی میان آنها وجود دارد و هر یک از آنها، آن دوی دیگر را بازتاب می‌دهند. بندهای کتاب خدا را آیه‌نمیدند که هم رکن کتاب الهی است و هم اساس جهان اکبر (آفاق) و هم وجود باطنی آدمی (انفس) را تشکیل می‌دهد. نصر این نظریه را در تفسیر آیه نور بیان داشته بود. در نظام معنایی صدر حقیقت بر نوعی جهان‌شناسی سه‌لایه استوار است. وی در تاویل آیه نور ابتدا جهان اصغر سپس جهان اکبر و در نهایت جهان انفس و روحانیات را مورد اشاره قرار می‌دهد که معرفت بدان‌ها اصل و اساس هر سعادت و نیک‌بختی است. نصر و صدر در اتخاذ چنین رویکردی متأثر از ابن عربی هستند که او نیز صحت پای‌بندی معانی و دلالت‌های قرآنی است (ابوزید، ۱۳۹۳: ۲۵۸).

۴. رابطه دین و دولت در اندیشه اسلام سنتی سید حسین نصر

اندیشه سیاسی نصر، استلزامات سیاسی خاصی به دنبال دارد که در رابطه دین و دولت و طرز تلقی وی از این رابطه اثرگذار است. چنانچه سوژه نصر از یک طرف مبنایی هویتی دارد و از طرف دیگر برداشت اجتماعی و سیاسی سنتی را در تقابل با برداشت مدرن و پست

مدرن بازتاب می‌دهد. نصر در درجه نخست تلاش دارد تا از تبدیل شدن (من فعال) خود به (منفعل) جلوگیری نماید. در این راستا، وی در مقابل (من دکارت) از من (حلاج) دفاع کرده و به برجسته‌سازی آن اقدام می‌نماید. به باور نصر فلسفه دکارت سیری پیش‌پای انسان قرار داد که انتهای آن جدایی جز از کل و اعلام استقلال من جزیی بشر (من حقیرش) در مقابل من کلی آن است و حتی به انکار من کلی می‌انجامد. اما نصر با کمک ابن عربی به دفاع از حقانیت حلاج پرداخته و سر سخنان و جسورانه دم از هویت قدسی انسان در مقابل تحقیر او توسط مکاتب اومانیستی می‌زند. از سوی دیگر، نصر با جستجوی حقیقت و معنویت در دل سنت عرصه‌ای عمومی می‌گشاید که از جامعه مدنی و دموکراسی گریزان بوده و میل به (مدینه نبوی) دارد. نصر این دو مدینه تباین ذاتی می‌بیند و هیچگاه حتی در شعار و جهت حفظ ظاهر نیز سعی ندارد به تاویل دموکراسی در قالب مردم سالاری دینی بپردازد (طاهری خنکداری و توسلی رکن آبادی، ۱۳۹۶: ۱۲).

رابطه دین و دولت در اندیشه اسلام سنتی سید حسین نصر را باید در تداوم رابطه دین و دولت در دوره جمهوری اسلامی ایران دانست. همانگونه که در فرضیه اصلی تاکید شده است، رابطه دین و دولت در اسلام سید حسین نصر مبتنی بر رابطه ادغام و اتحاد است. در الگوی ادغام بر همپوشانی و ارتباط دین و دولت و تمزیح دین و دولت و دین و سیاست تاکید می‌شود.

تحقق الگوی ادغام و اتحاد مورد تاکید سید حسین نصر الزاماتی دارد که بیان می‌کند دین و دولت با یکدیگر آمیخته‌اند و هیچگاه جدای از یکدیگر نباید باشند. در سایه همین الزامات است که اهمیت و ارزش نظم مطلوب نصر در تبیین رابطه دین و دولت و همچنین نظریه دینی و سیاسی اش آشکار می‌شود. در ادامه الزامات تحقق الگوی ادغام و اتحاد مورد تاکید سید حسین نصر در گزاره‌های زیر تبویب و مفصل‌بندی می‌شوند:

- در جستجوی امر قدسی، معرفت، سعادت و حکمت که ریشه‌های سنتی و دینی دارند،
- ورود به قلمرو معنا از طریق سنت،
- اندیشه به ساحت انسانی در جهت ارتباط با مرکز بزرگ و اصلی یعنی خداوند،
- اتکا به نظم طبیعت برای نمایش حکمت خداوند،
- اتکا به الهیات رهایی بخش،
- نگاه سلسله مراتبی به هستی،
- قرار گرفتن اعلی در هرم سلسله مراتب هستی و انتظار فیض از اعلی برای وجود ادنی،
- تاکید بر هستی‌شناسی عرفانی و باور به وجود برتر در مرکز و ثقل آن،

- تلاش برای وصل طبیعت به ماورای آن جهت دستیابی به وحدت هستی،
- گذر از طبیعت برای رسیدن به الهیات،

۴-۱. ترسیم روابط دین و دولت در اندیشه گولن

اسلام اجتماعی فتح‌الله گولن یکی از جالب‌ترین نمونه‌های تفکر اسلام لیبرال در خاورمیانه است. اسلام اجتماعی و تمدنی فتح‌الله گولن دارای شاخص‌ها و عناصری چون: لیبرالیسم، دموکراسی، دین و شریعت، عدالت، اعتماد، استقلال و آزادی، توسعه‌باوری، علم‌گرایی، تعامل، تسامح، سیاست دفاعی، ناسیونالیسم، حق انتخاب، فردگرایی، مدنیت، سکولاریسم و لائسیته می‌باشد (نوازی، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

اسلام اجتماعی طرحی عملی برای پیاده کردن آموزه‌های اسلامی و جلوه‌های آن در بستر و نهاد یک جامعه انسانی است. خوانش و قرائتی که در اسلام اجتماعی از آن برای پیاده کردن آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود، قرائتی مدنی، سازنده، تسامح، مدارا تعاملی و به دور از اکراه و خشونت و الزام‌های حاکمیتی است. از منظر تبارشناسی اسلام اجتماعی را باید برابری منطقی اسلام سیاسی و حتی می‌توان از منظر گفتمانی در مقابل آن قرار داد و می‌توان گفت که اسلام سیاسی، اسلام اجتماعی نیست، بلکه در تداوم آن به دست می‌آید. حتی می‌توان گفت که اسلام اجتماعی لزوماً به اسلام سیاسی ختم نمی‌شود. در اسلام اجتماعی سبک و توسعه زندگی اسلامی بر مبنای الگوهای اسلامی ترویج و توسعه می‌شود. بنابر این در اسلام اجتماعی تاکید بر عبادات و اخلاقیات و اصل حکومت دینی یک اصل پذیرفته است، اما فصل تمایز آن با قرائت‌های دیگر اسلامی نظیر اسلام سیاسی در شکل حکومت و نحوه ادراه آن است. در اسلام اجتماعی شکل حکومت و اداره نظام سیاسی و سازوکارهای مرتبط با آن تابعی از افکار عمومی است و رای غالب مردم و افراد اجتماع در سمت‌گیری و جهت‌دهی‌های آن بسیار تعیین‌کننده است (عابدی گناباد، ۱۳۹۵: ۴۵).

بدین ترتیب، اسلام اجتماعی گولن، ضمن حفظ و پاسداشت و همچنین ترویج اسلام آناتولیایی، بر تسامح و تساهل و عاری از محدودیت‌های سخت‌گیرانه کمالیسم تاکید می‌کند. همچنین، اسلام اجتماعی گولن، تلاشی برای تلفیق ناسیونالیسم ترکی و اسلام برای اسلام اجتماعی است (بولنت و کاهان، ۱۳۸۱: ۹۵). علاوه بر این، در اسلام اجتماعی گولن، تبلیغ اسلام لیبرال و مداراجویانه در مقابل بنیادگرای اسلامی قرار می‌گیرد و رویکرد سکولاری است و در این رویکرد تاکید بر سکولاری و فردی بودن دین است نه عمومی و اجتماعی بودن آن.

در اسلام اجتماعی گولن، تلاش برای امکان استخراج خلق جهانی مدرن از قرآن و احادیث و سنت یا همان نظریه جمع میان سنت و تجدد در اسلام اجتماعی منتفی نیست. همچنین بر روال مهندسازی حکومت های دموکراتیک مبتنی بر آزادی، حق انتخاب و فردگرایی تاکید می شود. ضمن اینکه اسلام اجتماعی گولن، اعتقاد کامل به سازگار بودن اسلام امروزه با دموکراسی مدرن لیبرال دارد، درباره جایگاه دین و حدود و ثغور آن با نهاد دولت نیز باید گفت که در اسلام اجتماعی گولن، شریعت یا قوانین اسلامی برای حکومت داری کافی نیست. ضمن اینکه بر موافقت با حضور زنان در عرصه عمومی و مشارکت فعالانه آنان و مخالفت با اعمال تبعیضات جنسیتی علیه آنان تاکید می شود و جدیت تمام برای جمع میان سنت و تجدد و در نهایت سازش اسلام و مدرنیته است (بولنت و کاهها، ۱۳۸۱: ۹۶). بنابراین اسلام اجتماعی گولن، ضمن ریشه داشتن در اصول و قواعد اسلام و پاسداشت ارزش های آن برای دین گرایی سازنده، تلاش دارد که در دنیای مدرن و علمی نیز مشارکت کند. نهایتاً اینکه در این رویکرد، ضمن استفاده از روش های رادیکال برای گسترش آموزه های خود در برخی موارد از گرایشات محافظه کارانه نیز برای تغییرات اساسی در جامعه میرا نیست (بولنت و کاهها، ۱۳۸۱: ۹۸).

۲-۴. نقش دولت در اندیشه تمدنی گولن

در اسلام تمدنی گولن، بر نقش دین در ایجاد همزیستی مسالمت آمیز و نیز چگونگی بهره گیری از دین به عنوان متغیری در ایجاد پیشرفت تاکید می شود. همچنان که متغیر دین علت تامه در پیشرفت و توسعه نیست. بنابراین ارزش های پروتستانی از منظر کارکردگرایی مغایرتی با آموزه های اسلام ندارد. طبق اسلام تمدنی گولن، زمینه های اسلامی کشورها و دولت و همچنین جوامع به همراه تلاش های اندیشمندان و رهبران منورالفکر مسلمانان می تواند نقش غیر قابل انکاری در ایجاد توسعه بازی کند.

نقش اسلام از حیث ارتباط آن با دولت در اندیشه گولن متفاوت از آن چیزی است که در اندیشه طرفداران اسلام سیاسی برجسته شده است. بنابراین در این رویکرد، اسلام گرایی آموزشی در برابر اسلام گرایی سیاسی قرار می گیرد (مجیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

- در اسلام تمدنی گولن، نحوه آموزش اسلام گرایی به همان میزان آموزش برای رسیدن به اهداف اسلام تمدنی حائز اهمیت است و از این رو، به جای دولت بر نقش تمدن اسلامی و آموزه های آن تاکید می شود. همچنین در این تمدن، تدریس دانش به غیرمسلمانان مذموم دانسته نمی شود، چراکه آموزش دانش به فرد باعث ارتقای او می شود و فردی که ارتقای شخصی یافته است و زمینه لازم برای شناسایی بعدی آموزه های اسلامی را دارد. به طوری که

در اسلام تمدنی گولن بر این امر تاکید می‌شود که اگر، آسیایی‌ها بتوانند از تجربه‌های صنعتی غرب استفاده نمایند و در عین حال ارزش‌های خود را حفظ نمایند قادر به ساختن بزرگ‌ترین تمدن در طول تاریخ خواهند شد (مجیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۹). بنابراین روابط تمدنی در اندیشه گولن بر مبنای ساختن اندیشه اسلامی است و نه تلاشی برای پیوند زدن دین و دولت. از سوی دیگر، منظور از دولت در تعریف گولن دولت سکولار است، یعنی دولتی که با بی‌طرفی نسبت به همه باورها و فلسفه‌ها بتواند امنیتی را که ضامن آزادی همه گروه‌ها و زیرمجموعه‌های جامعه است تضمین کند.

فتح‌الله گولن با اعتقاد به ایده حاکمیت انسان بر سرنوشت خود است که دموکراسی را تمام و کمال پذیرفته است. از این رو، با روی کار آمدن دولت‌های ایدئولوژیک مخالفت می‌کند، خواه دولتی دینی با هدف ترویج اندیشه‌های دینی باشد و خواه دولتی لائیک، که مانع ترویج اندیشه‌های دینی شود، زیرا دولت کارکرد خاص خود را دارد و آن ایجاد امنیت است. در نقد دیدگاه اسلام‌گرایان میانه‌رو در خصوص موضوع دولت می‌توان گفت که اساساً رویکرد آنها، بیش از آنکه برگرفته از سنت اسلامی باشد، از مدل حکومت‌داری عثمانی سرچشمه گرفته است. در حقیقت تأویل‌گرایی مبتنی بر تجربیات دوران عثمانی، به تقلیل‌گرایی در بسیاری از احکام اسلامی منجر شده است. به عبارت دیگر سیره پادشاهان عثمانی بیش از سیره رسول خدا برای آنها اعتبار دارد که این امر در مورد نگاه آنها به مقوله دولت نیز صادق است.

الگوی تعاملی از رابطه دین و دولت گولن به وسیله پذیرش دموکراسی و آزادی نیز تقویت می‌شود. در نگاه اسلام‌گرایان لیبرالی چون گولن، بهترین شکل حکومت شکل دموکراتیک آن است. در اسلام تمدنی گولن، امکان دستیابی به تمدن اسلامی بومی منتفی نیست. بنابراین کشورها و جوامع اسلامی می‌توانند با حفظ هویت ملی خود، در هویت غرب جذب نشده و حتی قویا می‌توانند از آن استفاده لازم را ببرند. در این ارتباط می‌توان به طور نسبی گفت که در چند دهه گذشته در دست‌یابی به اهداف خود کامیاب بوده‌اند (مجیدی، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

۳-۴. تعاملی بودن دین و دولت در اندیشه اسلام تمدنی گولن

همانگونه که در فرضیه اصلی تاکید شده است، رابطه دین و دولت در اسلام اجتماعی و تمدنی فتح‌الله گولن مبتنی بر الگوی تعامل می‌باشد. در مدل تعاملی دولت، دین را و دین دولت را نفی نمی‌کند، بلکه رابطه آنها تعاملی است. مسیر رابطه دین و دولت در اسلام

اجتماعی و تمدنی گولن از اسلام لیبرالی و میانه‌رو عبور می‌کند. چنین اسلامی بر اصولی چون: جدایی دین از سیاست، انسان محوری، فردگرایی و خردگرایی تاکید می‌کند. پویش الگوی دین و دولت گولن در اسلام لیبرالی نه مبتنی بر غرب‌گرایی محض و غرب ستیزی، بلکه مبتنی بر تعامل انتقادی با غرب، تعامل مثبت و منتقدانه با مدرنیته غربی است. گولن در چنین بستری تلاش می‌کند که با تلفیق اسلام و مدرنیته غربی، به گونه‌ای که کمترین تنش میان این دو به وجود آید و حتی تنش‌های موجود نادیده گرفته شود، مدرنیته‌ای اسلامی حاصل گردد. این تلفیق سبب شده است تناقضات متعددی در فرایند تحولات موجود ترکیه روی دهد، که ظهور و بروز آن چه در عرصه اجتماع و چه در عرصه سیاست داخلی و خارجی ترکیه، به ویژه در دولت اردوغان مشهود است. همچنین در الگوی تعاملی از رابطه دین و دولت در اندیشه گولن، به دلیل اعتقاد به عدم رابطه اسلام و سیاست، امکان تشکیل دولتی اسلامی که کارگزار دین باشد وجود ندارد. با این حال، این جریان که به رهبری شخص گولن در عرصه بین الملل و در حوزه‌های آموزشی و فرهنگی فعال است، به سبب کارایی مناسبی که در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی از خود نشان داده نه تنها در داخل ترکیه که در بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، طرفداران فراوانی یافته است.

آموزه گولن در راستای الگوی تعاملی دین و دولت، در صدد برقراری رابطه میان اسلام و مدرنیته است برداشت گولن از اسلام پاسخی است که او به نیازهای زمانه می‌دهد. وی دانشمندی است که، از یک طرف، گوش به قرآن و سنت دارد و از سوی دیگر چشم به مسائل روزانه حیات گشوده است. در نگاه کلی اسلام تمدنی، طرحی در راستای دستیابی به تمدن اسلامی بدون جذب شدن در مدرنیته غربی است. همچنین طرح و ایده اسلام تمدنی به تجربه و دستاورد ها و همچنین ظرفیت ها و داشته‌های اسلامی برای ایجاد یک تمدن تلاش می‌کند. چنین رویکرد و نگرشی در اسلام تمدنی، ریشه در رویکردهای کلان جامعه دارد. در واقع در چنین طرحی تاکید بر آن است که اسلام به عنوان یک دین می‌تواند در سخت و ایجاد یک تمدن جدید در دنیای کنونی حضور یابد. بنابراین و بر این اساس مسئله اصلی و کلیدی در اسلام تمدنی این است که چه نوع مطالعات، اقدامات و تلاش‌های در بستر یک جامعه اسلامی و دینی می‌تواند نیازهای عمده جامعه را حل کند یا به تعبیر دیگر، تمدن اسلام و دستاورد های آن تا چه میزان توانسته است مشکلات جامعه را حل کند و برای برخی از موانع و چالش‌ها پاسخ داشته باشد (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

البته نوعی همپوشانی محتوایی و معنایی در تمدن اسلامی و اسلام تمدنی سبب شده است که برخیا این دو مفهوم یکی پندارند، در حالی که چنین نیست. در تمدن اسلامی به دستاوردهای گذشته اسلام و مسلمانان توجه می شود و تلاش بر آن است تا نشان داده شود اسلام چه بروز و ظهوری داشته و چه نقشی در حیات آدمی ایفا کرده است؟ حال آنکه اسلام تمدنی تأمل، تعقل، مطالعه و کندوکاوی در داشته های اسلام برای ایجاد یک تمدن است، ضمن آنکه اسلام تمدنی به معنای جامعه شناسی تمدن نیز است به این معنی که نشان دهد وضعیت تمدنی یک جامعه چگونه است و جامعه چه بهره ای از تمدن دارد. در اسلام تمدنی تکیه بر آینده و اینکه چگونه اسلام می تواند تمدنی کارا، پاسخ گو و مؤثر پدید آورد، به تعبیر دیگر، اسلام تمدنی، مطالعه اسلام در عرصه تمدن سازی است (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۸). همچنین اجرای عدالت در بستر اجتماع و اعتماد به عملکرد دولت، آزادی و استقلال، اهمیت علم و دانش، توسعه اقتصادی، برخورداری از شرایط مطلوب زندگی برای همه، محافظت از حقوق زنان و اقلیت ها، تعامل فرهنگی و اخلاقی، محافظت از محیط زیست برخورداری از سیاست دفاعی قدرتمند از مسائل قابل اهمیت در ایده و طرح اسلام تمدنی است (واسعی، ۱۳۹۵: ۸۷).

نتیجه گیری

آنکه اسلام سنتی و سیاسی سید حسین نصر ابزارهایی چون: شریعت، امر قدسی، حکمت خالده، وحدانیت، دین گرایی، اسلامیت و شهود را برای پیوند دین و دولت بکار می گیرد تا شکل دولت در الگوی سلطنت بخواند حافظ دین شود. به واقع در هدف سید حسین نصر در رابطه دین دولت تلاش برای معناگرایی پیرامون انسان، معنویت بخشی به هستی معرفت و انسان، ورود به قلمرو معنا از طریق سنت، اتکا به نظم طبیعت برای نمایش حکمت خداوند، اتکا به الهیات رهایی بخش و سرانجام برای وصل طبیعت به ماورای آن جهت دستیابی به وحدت هستی تلاش می کند. به این ترتیب و با توجه به تبویب الزامات تحقق رابطه دین و دولت در اندیشه سید حسین نصر باید گفت که ادغام و اتحاد دین و دولت، بهترین مدل برای تعریف رابطه این دو نهاد است. به این ترتیب مسئله اصلی در ارتباط با الگوی رابطه دین و دولت در اندیشه نصر این است که در جهانی کنونی با این وضعیت آشفته که هر چه بیشتر بشر را از ریشه ی الوهی خود دور می سازد، چگونه می توانیم آموزه های دینی را مطرح سازیم و با آنها تعامل کنیم. لذا در بن مایه ی فکری نصر نیز همان تقابل یا تعامل میان سنت و تجدد حضور دارد، جز اینکه، او این سنت را در معنایی خاص و عمدتاً دینی به کار می برد. در مجموع نصر در ترسیم جامعه ایدئال و بهترین نوع حکومت با نقد نظام سیاسی مدرن

دفاع از سنت‌ها و دفاع از معرفت یا علم قدسی حکومت سلطنت دینی را به عنوان بهترین نوع حکومت مطرح می‌کند. در حکومت سلطنت دینی مورد نظر نهاد دین با نهاد دولت ارتباط دارد و با تمزیح یکدیگر به حکومت سلطنت دینی می‌انجامد که وظیفه‌ای جز دفاع از شریعت، طرد سکولاریسم و تجددو در نهایت ترویج عقل و معرفت قدسی و دفاع از سنتها را ندارد.

در حالیکه اسلام تمدنی و اجتماعی فتح‌الله گولن در جهت رسیدن به طرح تازه از خوانش‌ها و قرائت‌های اسلامی، ابزارهایی چون: مدرنیته و تجدد، دموکراسی و لیبرالیسم، کار را برای پیوند دین و دولت بکار می‌گیرد تا به شکل دولت در الگوی سوسیال دموکراسی نایل آید. در واقع هدف اصلی از پیوند دین و دولت در اسلام تمدنی و اجتماعی گولن، تلاش برای ایجاد جامعه اسلامی متعهد و در عین حال مترقی و برخوردار از علم و معرفت و فن‌آوری جدید است تا بدین طریق دوران تفوق جهان غرب بر جهان اسلام به سر آید. در واقع گولن در راستای الگوی تعاملی خود در ارتباط دین و دولت تلاش می‌کند که نوعی از مدرنیته را به دست دهد که با اسلام و ارزشهای اسلامی در تضاد نباشد. همچنین او تلاش دارد که در پرتو الگوی تعاملی خود در ارتباط دین و دولت نوعی موازنه میان دین و سیاست ایجاد کند. جان کلام آنکه، الگوی تعاملی گولن در پرتو نوع نگاه او به اسلام، اجتماع و سیاست نیز مفهومی جدید می‌یابد. البته اسلام مورد نظر گولن اسلام گولن از نوعی مسامحه‌برخوردار است. گولن و اسلام‌گرایان میانه‌رو بر این باورند که بیشتر احکام اسلامی در باب زندگی شخصی افراد و انسان‌هاست و اسلام در خصوص مدیریت سیاسی و اجتماعی برنامه‌ای ندارد و تنها بخش کوچکی از آن درباره حکومت‌داری و کشورداری است.

منابع و مأخذ:

- ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۳) **چنین گفت ابن عربی**، ترجمه سید محمد راستگو، تهران: نشر نی.
- ارس، بولنت و عمر کاها (۱۳۸۱) جنبش اسلام لیبرال در ترکیه: اندیشه‌های فتح الله گولن، ترجمه اسدالله اطهری، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال نهم، شماره ۳۲.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵) **مبانی دولت در اسلام**، تهران، انتشارات سمت.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۶)، **مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین: بررسی جامعه شناختی مناسبات دین و دولت در ایران اسلامی**، تهران: نشر تبیان.
- طاهری خنکداری، محمد و توسلی رکن‌آبادی، مجید (۱۳۹۶) تضمینات سیاسی و اجتماعی اندیشه سیاسی سید حسین نصر، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال سیزدهم، شماره ۴۱.
- عابدی گناباد، رضا (۱۳۹۵) اسلام اجتماعی فتح الله گولن، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، شماره ۷، صص ۶۰-۳۵.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۹۰) **اندیشه سیاسی متفکران مسلمان: اسلام تتمدنی فتح الله گولن**، با همکاری جمعی از محققان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۶) **دیدگاه حکومتی در نظریه حسیبه**، مجله حکومت اسلامی، شماره سوم.
- کدیور، محسن (۱۳۷۶) **نظریه‌های دولت در فقه شیعه**، تهران، نشر نی.
- مجیدی، حسن؛ پیروفر، مهدی (۱۳۹۶)، **نشانیان اسلام تمدنی فتح الله گولن**، مجله پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۹.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳) **معرفت و امر قدسی**، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: نشر سوفیا.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳) **نیاز به علم مقدس**، ترجمه حسن میاننداری، ویراست احمد رضا جلیلی، تهران: نشر طه.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۲) **آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام**، ترجمه انشالله رحمتی، تهران: نشر سوفیا.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۳) **دین و نظم طبیعت**، ترجمه انشالله رحمتی، تهران: نشر نی.
- نوازی، بهرام (۱۳۹۳) فتح الله گولن و جنبش اجتماعی-سیاسی وی در ترکیه، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره ۱۰.
- واسعی، علیرضا (۱۳۹۵) **اسلام تمدنی و تمدن اسلامی**، قم: مرکز مطالعاتی حوزه.
- واعظی، احمد (۱۳۷۸) **حکومت دینی: تأملی در اندیشه سیاسی اسلام**، قم، نشر مرصاد.